

رباعیات ابوالحسن طلحه

سید علی میرافضلی

| ۲۱۷-۲۴۵ |

۲۱۷

آینه پژوهش | ۲۰۶
سال ۳۵ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۳

چکیده: شهاب‌الدین ابوالحسن طلحه مروزی، از رباعی‌سرایان مهم اواخر قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم هجری است. نام او نخستین بار در تذکره لباب‌الالباب سدیدالدین محمد عوفی در بخش شعرای خراسان یاد شده است. عوفی هجده فقره از رباعیاتش را نقل کرده است و سایر تذکره‌نویسان همین اطلاعات و اشعار را در کتب خود آورده‌اند. سیفی نیشابوری در اواخر قرن ششم هجری در کتاب رسائل‌العشاق به رباعیات ابوالحسن طلحه استناد کرده و ۳۴ فقره آن را در لابه‌لای مطالب کتاب گنجانده است. نزهة‌المجالس جمال خلیل شروانی نیز یکی از منابع مهم رباعیات ابوالحسن طلحه است. در مقاله حاضر، اطلاعات اندک موجود در مورد زندگی این شاعر و ۸۵ فقره از رباعیات منسوب به او، از سه منبع فوق و پنج منبع دیگر فراهم آمده است. موضوع اغلب رباعیات ابوالحسن طلحه، عشق و گزارش حالات عاشق و معشوق است.

کلیدواژه‌ها: ابوالحسن طلحه مروزی، رباعی، رباعی‌سرایان قرن ششم، تذکره لباب‌الالباب، رسائل‌العشاق، نزهة‌المجالس، رباعیات سرگردان.

Rubaiyat of Abu'l-Hasan Talheh

Seyyed Ali Mirafzali

Abstract: Shihāb al-Dīn Abu'l-Hasan Talheh Mivazī was a prominent quatrain poet of the late 5th and early 6th centuries Hijri. His name first appears in *Tadhkirat al-Lubāb -ul-Albāb* by Saḍīd al-Dīn Muḥammad 'Awfī in the section on poets of Khorasan. 'Awfī has quoted eighteen quatrains from Talheh's works, and other biographers have also recorded these details and poems in their books. Seifī Neishābūrī, in the late 6th century Hijri, cited Talheh's quatrains in his book "*Rasā'il al-'Ushāq*" and included 34 couplets in the midst of his writings. "*Nuzhat al-Majālis*" by Jamāl Khalīl Shirwānī is another important source on the quatrains of Abu'l-Hasan Talheh. In this article, the scarce information about the life of this poet and 85 quatrains attributed to him is provided from the three mentioned sources and five other references. The predominant themes of Talheh's quatrains revolve around love and the depiction of the states of lover and beloved.

Keywords: Shihāb al-Dīn Abu'l-Hasan Talheh Mivazī, Rubaiyat, Quatrain Poets of the 6th Century, *Tadhkirat al-Lubāb -ul-Albāb*, *Rasā'il al-'Ushāq*, *Nuzhat al-Majālis*, Wandering Quatrains.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شهاب‌الدین ابوالحسن طلحه مروزی، از رباعی‌سرایان مهم اواخر قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم هجری و از هم‌عصران حکیم عمر خیّام نیشابوری است. عوفی نخستین تذکره‌نویس فارسی است که از او در بخش شعرای خراسان در زمان حکومت آل سلجوق یاد کرده، اما سخن او در مورد این شاعر بسیار کلی است:

الاجل شهاب‌الدین ابوالحسن طلحه، که در لطف طبع یگانه و در وفور هنر نادره زمانه، به آداب و فضایل قدوه سبحان و ابل؛ ذات او بحر برائت بود، اما موج آن بحر، لالی معانی نفیس و قصر قدر او، رشک اوج کیوان و برجیس؛ خطه مرو به مکان او فاخر و وفور فضل او بر اقران او ظاهر. چون سمای سخن پروری از خورشید ذات سمایی خالی شد و آن یگانه به جوار رحمت آفریدگار رفت، ابوالحسن او را مرثیتی گفت:

ز بهر آنکه نبینم همی سمایی را کنار من چو سمایی شد از ستاره اشک
به ژرف دریا مانند زرنج فرقت او کنار من که نبینی در او کناره اشک
چو اشک من ز صفا رنگ لفظ او دارد کنم ز بهر تسلی دل نظاره اشک
ز اشک چاره همی جویم و همی دانم که هم ز غایت بیچارگی است چاره اشک
و اشعار او آنچه قصاید و مقطعات است، نادر و کمیاب است. اما اکثر نظم او رباعیات بوده است.^۱

آنچه عوفی به دست داده، اغلب چیزی جز سجع‌های بی حاصل نیست. تنها اطلاع مفید لباب الالباب، این است که موطن یا مسکن ابوالحسن طلحه مرو بوده، با حکیم محمود بن علی سمایی مروزی^۲ دوستی داشته و مرثیه‌ای در مرگ او سروده، و از انواع شعر، به رباعی‌گرایش داشته است. عوفی، هجده رباعی از طلحه نقل کرده است. آنچه در تذکره‌های بعدی آمده، همگی برگرفته از لباب الالباب عوفی یا تذکره‌هایی است که از کتاب او بهره جسته و بر آن هیچ‌گونه مطلب تازه و مستندی نیفزوده‌اند.^۳ عوفی، ابوالحسن طلحه را در باب دهم (شعرای آل سلجوق) جای داده، اما مشخص نکرده با

۱. لباب‌الالباب، ۳۵۴-۳۵۵.

۲. در مورد او رک. همانجا، ۳۴۷. آنچه عوفی در مورد سمایی مروزی آورده نیز فاقد هرگونه اطلاعات زندگی‌نامه‌ای است.

۳. از جمله، رک. تذکره هفت اقلیم، ۲: ۵۳۰ (پنج رباعی)؛ عرفات العاشقین، ۳: ۱۸۷۲ (بیست رباعی)؛ تذکره ریاض الشعراء، ۲: ۱۲۶۴ (هفت رباعی)؛ سفینه خوشگو، دفتر اول، ۱۲۹ (دو رباعی)؛ آتشکده آذر، ۲: ۶۵۶ (دو رباعی)

کدام یک از شاهان سلجوقی معاصر بوده است. اما امین احمد رازی بر آن است که «در سلک شعرای سلطان سنجر انتظام داشت». خوشگو نیز نوشته که «به نظر تربیت سلطان سنجر کارش بالا گرفت».^۱ منبع خوشگو، به احتمال زیاد هفت اقلیم رازی بوده است. رازی با اینکه اغلب اطلاعات شاعران قدیم را از لباب الالباب برگرفته، در این فقره گویا به برداشت شخصی خود اتکا کرده است.

عوفی یک جای دیگر نیز از این شاعر نام برده و آن، ذیل شرح حال تاج الدین اسماعیل باخرزی است که رباعی در مرثیت شهاب الدین ابوالحسن طلحه سروده است:

جاننی که مرا بی تو به مرگ ارزانی است گر هست در این تنم، ز بی فرمانی است
دانی که مرا پس از تو ای راحت جان با درد تو زیستن، ز بی درمانی است^۲

همان گونه که استاد همایی نوشته، شاعر مرثیه گوی کسی نیست جز اسماعیل بن احمد بن اسماعیل جوذقانی باخرزی که سمعانی در کتاب الانساب از او یاد کرده و گفته است: به سال ۴۸۳ق در جوذقان به دنیا آمد. جوذقان، از روستاهای باخرز از نواحی نیشابور است. رباعیاتی به فارسی دارد. بین من و او دوستی بسیار بود و با او در نیشابور و مرو معاشرت داشتم و پاره‌ای از اشعارش را برای خود یادداشت کردم.^۳ به قرینه این اشارت، می‌توان حدس زد که حدود دوران زندگی ابوالحسن طلحه، اواخر قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم هجری بوده است.

ابوالحسن طلحه اشعاری نیز به زبان عربی دارد و ادیب هم عصر او بارع هروی بغدادی (د. ۵۲۴ق) چند بیت از سروده‌های تازی او را با نام «الشیخ ابوالحسن بن طلحه النیسابوری» و «شهاب الدین ابوالحسن طلحه» و «الشیخ سید ابوالحسن طلحه» نقل کرده است.^۴ بارع هروی، شعری نیز در رثای ابوالحسن طلحه از ابوالقاسم نصر بن علی التمیمی آورده که در خور توجه است:

۱. به منابع پیشین مراجعه شود.

۲. لباب الالباب، ۳۵۹. سیفی نیشابوری در رسائل العشاق، نه رباعی با نام «باخرزی» نقل کرده که ما حدس می‌زنیم منظور او همین تاج الدین باخرزی است، نه علی بن حسن باخرزی. وی رباعیات علی بن حسن را با ذکر نام آورده نه شهرت. در نزهة المجالس نیز همین گونه است.

۳. طریخانه، ۲۸-۲۹ (مقدمه)؛ الانساب، ۳: ۳۵۳

۴. طرائف الطرف، دستنویس شماره ۴۱۳۴ ایاصوفیا، ۶ر، ۱۰ر، ۲۶ر، ۲۷ر، ۲۸ر، ۶ر. متأسفانه در چاپ هلال ناجی به دلیل عدم استفاده از همه نسخه‌های کتاب، ثبت و جایگذاری نام شاعران به دقت صورت نگرفته است.

أقول وقد اقض العيش مني جوى ما إن أكاد أطيّق برّحه
لقد فقدت مفاخرها الليالي غداة ثوى أبوالحسن بن طلحه^۱

اگر این شعر متعلّق به اصل کتاب طرائف الطرف باشد، تاریخ مرگ ابوالحسن را باید قبل از ۵۲۴ هجری قمری (سال مرگ مؤلف) دانست. در هر صورت اشعار عربی موجود در این منبع، نیازمند بررسی دقیق‌تر بر اساس همه نسخه‌های آن است.

محمد عوفی، در مورد زادگاه ابوالحسن طلحه به ابهام سخن گفته: «خطّه مرو به مکان او فاخر». بنابراین، مرو هم می‌تواند زادگاه او باشد و هم محل زندگی اش و هم هر دو. امین احمد رازی، طلحه را ذیل شعرای مرو جای داده و اوحدی بلیانی به تکرار گفتار عوفی بسنده کرده است.^۲ در یکی از نسخ قدیم کتاب طرائف الطرف، نسبت او نیشابوری و در نسخه قدیمی‌تر که در ۶۳۶ق کتابت شده و کاتبش اهل نیشابور بوده، اسفراینی خوانده شده است.^۳ شاید مولد او اسفراین یا نیشابور بوده و در مرو می‌زیسته است.

علاوه بر هجده رباعی که عوفی از ابوالحسن طلحه آورده، در منابع دیگر نیز رباعیاتی از او موجود است که مهارت و شهرت این شاعر را در رباعی سرایی نشان می‌دهد. بیشتر رباعیات طلحه، در حوزه معانی عاشقانه است.

بعد از لباب الالباب، مهم‌ترین منبع رباعیات ابوالحسن طلحه، رسائل العشاق سیفی نیشابوری است. سیفی در این اثر، ۳۴ رباعی از این شاعر رباعی سرای نقل کرده که از دو رباعی فقط يك بیت شان آمده است. یکی از آن‌ها را توانستیم از منابع دیگر تکمیل کنیم (ش ۳).^۴ سیفی در کتاب خود از ابوالحسن طلحه یک جا با صفت «امام فاضل کامل زین الشعراء ابن طلحه رحمه الله» یاد کرده که نشانگر احترامی است که برایش قائل بوده است.^۵

۱. طرائف الطرف، دستنویس شماره ۴۱۳۴ ایاصوفیا، برگ ۶۰ پ. در طرائف الطرف چاپی (ص ۱۰۸-۱۰۹) نام شاعر ذکر نشده است.

۲. تذکره هفت اقلیم، ۲: ۵۳۰؛ عرفات العاشقین، ۳: ۱۸۷۲. دیگر تذکره‌نویسان هم پیرو ایشانند.

۳. طرائف الطرف، دستنویس ۴۱۳۴ ایاصوفیا، ۶: دستنویس ۳۷۶۷ ایاصوفیا (کتابت در ۶۳۶ق): لأبي الحسن بن طلحة الاسفرائینی (برگ ۳۱ ر).

۴. فاضل ارجمند آقای علی عشایری که پایان‌نامه خود را در مورد اشعار رسائل العشاق نوشته، در مقاله «معرفی ابیات نویافته رسائل العشاق» پانزده رباعی نویافته «ابن طلحه» را نقل کرده است (ص ۱۹-۲۱).

۵. رسائل العشاق و وسائل المشتاق، ۱۵۵

ولی در بیشتر مواقع هنگام نقل رباعیاتش، او را «ابن طلحه» نامیده است. سیفی با ابن طلحه قریب العهد بوده است و احتمال دارد در جوانی با او ملاقات هم کرده باشد. به نظر می‌رسد وی صفت «رحمه الله» را برای شاعرانی که از نزدیک می‌شناخته به کار می‌برده است. از قرار معلوم، سیفی نیشابوری دفتری مستقل از رباعیات ابن طلحه را در اختیار داشته است.^۱ آنچه این گمان را تقویت می‌کند آن است که از ۱۸ رباعی ابوالحسن طلحه در لباب الالباب، فقط سه فقره آن با رسائل العشاق مشترک است.

برخی از رباعیاتی که در منابع به اسم ابوالحسن طلحه آمده، در دیوان سنایی غزنوی، معزی نیشابوری، انوری، رضی الدین نیشابوری و کمال اسماعیل اصفهانی نیز دیده شده است. تعدادی نیز میان او و خیام و مهستی گنجوی مشترک است. اغلب آن رباعیات موجود در دواوین شعرا، احتمال دارد از ابوالحسن طلحه نباشد؛ فی المثل رباعی زیر:

مه، در سفر از عشق نکورویی توست شب، تیره دل از رشک سیه مویی توست
عالم همه پُر حدیث نیکویی توست بدگویی دشمنان، ز بدخویی توست!

سروده سنایی است. زیرا علاوه بر دستنویس‌های معتبر دیوان سنایی مثل نسخه کهن کتابخانه بایزید ولی الدین (مورخ ۶۸۴ق) و موزه ملی کابل (کتابت در سده ششم)، در رسائل العشاق سیفی نیشابوری (اوایل قرن هفتم) و خلاصه الاشعار فی الرباعیات ابوالمجد تبریزی (گردآوری و کتابت در ۷۲۱ق) نیز به نام خواجه سنایی است.^۲ بی شک، مؤلف نزهة المجالس در انتساب رباعی به ابوالحسن طلحه دچار اشتباه شده است.

ما رباعیات منسوب به ابوالحسن طلحه را بر اساس هشت منبع زیر گردآوری کرده و از درهم کرد آن‌ها ۸۵ رباعی به دست آورده‌ایم. ممکن است در بعضی جُنگ‌ها و تذکره‌های شعر نیز رباعیاتی به نام او پیدا شود که مأخذش همین هشت منبع است. از ذکر منابع متأخر و تکراری چشم پوشیدیم.

۱. رسائل العشاق مشتمل بر یکصد نامه عاشقانه است و در تنها نسخه این کتاب، از نامه پنجاه و هشتم به بعد، بر خلاف نیمه اول کتاب نام گویندگان اشعار به ندرت قید شده است. من حدس می‌زنم در نیمه دوم هم رباعیاتی از ابوالحسن طلحه بوده که کاتب از ذکر نام او و دیگر شاعران خودداری کرده است.
۲. رک. دیوان حکیم سنایی غزنوی، ۱۱۱۵؛ دیوان سنایی، دستنویس بایزید ولی الدین، برگ ۲۸۸؛ دستنویس کابل، چاپ عکسی، ۶۰۶؛ رسائل العشاق، ۲۵۵؛ خلاصه الاشعار فی الرباعیات، ۹۹.

رسائل، رسائل العشاق و وسائل المشتاق، سیفی نیشابوری (سده هفتم ق): ۳۴ رباعی
لباب، تذکره لباب الالباب، سدیدالدین محمد عوفی (سده هفتم ق): ۱۸ رباعی
نزّه، نزّه المجالس، جمال خلیل شروانی (سده هفتم ق): ۲۱ رباعی
خلاصه، خلاصه الأشعار فی الرباعیات، ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی (۷۲۱ق): یک رباعی
ترمد، سفینه ترمذ، محمد بن یغمور (سده هشتم ق): دو رباعی
سفینه، سفینه رباعیات، دستنویس کتابخانه دانشگاه استانبول (سده هشتم ق): ۱۹ رباعی
ملک، جنگ اشعار، دستنویس شماره ۵۳۱۹ کتابخانه ملک تهران (سده دهم ق): سه رباعی
عرفات، عرفات العاشقین و عرصات العارفين، تقی الدین اوحدی بلیانی (۱۰۲۲ق): ۲۰ رباعی

در مورد منابع ذکر شده، دو نکته حایز اهمیت است. سفینه رباعیات استانبول (منبع ششم) نسخه ابتری از نزّه المجالس است که در اواخر قرن هشتم هجری تدوین و در قرن نهم هجری کتابت شده است و حدود نیمی از رباعیات نزّه المجالس را در بردارد. این نسخه، رباعیات افزوده ای دارد که مغتنم است. اما نکته مهم آن، بالا و پایین بودن نام شاعران در آن نسبت به نزّه المجالس در بعضی مواضع نسخه است. مرحوم دکتر ریاحی در مقدمه نزّه المجالس به یک نقص مهم دستنویس آن کتاب (نسخه اساس چاپ کتاب) اشاره کرده است: «مهم ترین ایراد وارد بر کاتب این است که ابتدا رباعی ها را نوشته، و نام شاعران را بعداً بالای هر رباعی میان سطرها افزوده، و احتمالاً گاهی نام شاعر را یک سطر بالاتر یا پایین تر نوشته است. در هر صورت، پژوهندگان در استفاده از نسخه خطی و عکس آن، جانب احتیاط را باید رعایت کنند».^۱ این خطای جابه جایی نام شاعران، گاه به دو سه رباعی می رسد. این امر، در رباعیات متعلق به ابوالحسن طلحه نیز مشهود است. ما در سفینه رباعیات، به رباعیاتی بر می خوریم که در نزّه المجالس به اسم شاعران دیگری با عناوینی همچون «آخر» آمده است و بر عکس آن نیز وجود دارد. طبق بررسی تطبیقی که انجام داده ام، در بیشتر موارد، جایگذاری نام شاعران در سفینه رباعیات دقیق تر است. فی المثل رباعی شماره ۴۹ متن، در نزّه المجالس به نام یمین اصفهانی و در سفینه رباعیات به اسم طلحه است. همین رباعی را سیفی نیشابوری نیز در رسائل العشاق به اسم ابوالحسن طلحه آورده

۱. نزّه المجالس، ۵۰ (مقدمه).

است. رباعیاتی هم هست که در نزهة المجالس نیست، اما کاتب سفینه رباعیات آن‌ها را آورده است.

تقی اوحدی بلیانی مؤلف عرفات العاشقین، در نقل رباعیات طلحه، به لباب الالباب عوفی اتکای کامل داشته و رباعیات آن کتاب را با همان ترتیب، و البته با ذکر مأخذ به تذکره خود انتقال داده است. اما کتاب او دو رباعی بیشتر از لباب الالباب دارد (رباعیات شماره ۵۹ و ۸۲) و من احتمال می‌دهم که این دو رباعی نیز در اصل کتاب عوفی (نسخه مورد استفاده بلیانی) موجود بوده است.

۱

با وصل تو هست بر جهان دست مرا بردل همه بادِ خرمی جَست مرا
قصه چه کنم؟ هر آنچه باید با تو گر بیم زوال نیستی، هست مرا
(رسائل، ۱۴۳)

۲

با عاشق مبتلاست مردانگی ات با مردم آشناست بیگانگی ات
فی الجملة، ز خوی تو چه گویم با تو دیوانه همی شوم ز دیوانگی ات
(نزهة، ۳۷۲)

۳

[عمری است مرا تیره و کاری است نه راست] محنت همه افزوده و راحت کم و کاست
شکرایزد را که هر چه اسباب بلاست باری، ز کس دگر نمی‌باید خواست!
(رسائل، ۲۲۴)^۱

۴

گویند مرا که: صبر کن در غم عشق چون صبر توان کرد بدین دل که مراست
(رسائل، ۹۵)^۲

۱. رسائل العشاق فاقد بیت اول رباعی است. بیت اول را از نزهة المجالس (ص ۶۱۰) افزودیم. در منبع اخیر، رباعی به نام ختیم است.

۲. رسائل العشاق فاقد بیت اول رباعی است.

۵

جانی که مرا بسته آن دل گسل است
این از همه طرفه تر که دل نیست مرا
در فرقت او ز زندگانی خجل است
وز هرچه از او یاد کنم، درد دل است
(سفینه، ۲۵۴)^۱

۶

از قدّ تو امروز کنارم چمن است
آن بند که بر پای تو از زلف تو بود
واندر برم از برت، نسیم سمن است
خوش باش که از زلف تو بر دست من است
(نزهة، ۴۹۶)

۷

منگر^۲ به رخ لاله که افروخته است
کآن رنگ رخس، ز خون دل ساخته است
وآن نقطه مشکین که بر او دوخته است
وآن مشک مزور، جگرش سوخته است
(نزهة، ۱۸۵؛ سفینه، ۱۷۶)^۳

۸

آن دل که هزار کامکاری کرده است
امروز در او نظاره باید کردن
بر مرکب کام‌ها سواری کرده است
تا عشق در او چه دستکاری کرده است
(سفینه، ۶۶)^۴

۹

در کوی تو گم گشت دلم روز نخست
زین پس به دل شکسته و عزم درست
امروز یقینم شد کاندرا^۵ کفِ توست
دل را و تو را به جان همی خواهم جُست
(نزهة، ۲۱۸؛ سفینه، ۶۶)

۲۲۵

آینه پژوهش | ۲۰۶
سال ۳۵ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۳

۱. در نزهة المجالس (ص ۵۹۵) با عنوان «آخر» درج شده است.
۲. در چاپ نزهة المجالس «بنگر» است. اما در دستنویس کتاب و سفینه رباعیات «منگر». در این رباعی، هر دو وجه مثبت و منفی، درست می‌آید.
۳. در دیوان شرف‌الدین شفروه (برگ ۱۳۲ پ) با ردیف «شد» آمده است.
۴. در نزهة المجالس (ص ۲۱۸) با عنوان «لغیره» درج شده است و در دیوان سید حسن غزنوی هم دیده می‌شود (ص ۳۲۷).
۵. نزهة المجالس: کآن در.

۱۰

يك چند مرا به لابه آن عشوه پرست
تا من ز سر صلاح هرکار که هست
در دام همی کشید چندان که بیست
برخاستم و او به فراغت بنشست!
(سفینه، ۲۲۴ پ)

۱۱

در عشق تو چون عزم رهی گشت درست
رخساره به خون دل پیالود نخست
اندر دل او تخم وفای تو بُرست
وز هرچه صلاح دل بُود، دست بُشت
(رسائل، ۳۸)

۱۲

دلدار مرا گفت: شنیدم به درست
گیرم که دل تو در سر زلف من است
کز من دل خویشان همی خواهی جُست
آخر نه سر زلف من اندر کف توست؟
(نزهة، ۴۹۶)

۱۳

روزی به گلستان که خرامیدی مست
نظاره روی تو بود گل پیوست
از رشك رخ تو گل بیفتاد ز دست
گل را تو چنان خوشی که ما را گل هست
(لباب، ۳۵۵؛ عرفات، ۱۸۷۳)

۱۴

هر چند غم من از جفا کردن توست
با این همه، از مهر تو نزدیک رهی
خون من از این حدیث در گردن توست
کاری که مهم تر است، غم خوردن توست
(لباب، ۳۵۵؛ عرفات، ۱۸۷۳)

۱۵

مه، در سفر از عشق نکورویی توست
عالم همه پُر حدیث نیکویی توست
شب، تیره دل از رشك سیه مویی توست
بدگویی دشمنان، ز بدخویی توست!
(نزهة، ۳۷۲)^۱

۲۲۶

آینه پژوهش | ۲۰۶
سال ۳۵ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۳

۱. همان طور که در مقدمه نوشتیم، این رباعی به قطع از سنایی غزنوی است (دیوان حکیم سنایی، ۱۱۱۵) و مؤلف نزهة المجالس در انتساب آن به طلحه دچار اشتباه شده است.

۱۶

آن دل که بُدی ساکن و فارغ پیوست
و آن دست که بند چرخ را بگشادی
برخاست چو اندر او هوای تو نشست
بند سر زلف تو به یک موش بیست
(رسائل، ۳۶؛ لباب، ۳۵۵؛ عرفات، ۱۸۷۳)

۱۷

چون پشت امیدها شکستم ز تو دوست
دشمن به دعای شب چرا برخیزد
زیر قدم فراق پستم ز تو دوست
چون من به چنین روز نشستم ز تو دوست
(رسائل، ۱۱۹، ۲۲۴؛ سفینه، ۲۵۴پ)^۱

۱۸

شادی چو غم توام در این عالم نیست
آن کس که غم تو خورد، او را غم نیست
و آن دم که نه در غمت برآرم، دم نیست
زیرا که غمت ز هیچ شادی کم نیست
(نزهة، ۲۴۰؛ سفینه، ۳۰)

۱۹

در عشق حدیث صبر می گویم و نیست
در راه امید وصل می پویم و نیست
دردا که من از روز وصال جانان
آگاه کنون شدم که می جویم و نیست
(سفینه، ۱۲۲پ)

۲۰

جز وعده تو - گرچه ز مقصود تهیست
در رنگ وصال تو چو نتوان نگریست
درمان دل قرارز نیافته چیست؟
ناچار به بوی وعده می باید زیست
(نزهة، ۴۲۳؛ خلاصه، ۸۵؛ سفینه، ۱)^۲

۱. در رسائل العشاق يك بار به صورت کامل بدون ذکر نام گوینده (ص ۱۱۹) و يك بار نیز بیت دومش جداگانه به نام ابن طلحه درج شده است (ص ۲۲۴). در دیوان انوری (۲: ۹۶۱) به استناد چاپ تبریز (در ۱۲۶۶ق) با ردیف «ز دوست» وارد شده و اعتبار چندانی ندارد.
۲. در رسائل العشاق بی نام گوینده دیده می شود (ص ۱۲۷).

۲۱

آن کس که وفا و مهر فرمود، نداشت
با دل گفتم که او ندارد سرِ تو
پیوسته وفا و مهر بنمود، نداشت
دیدی که به عاقبت همان بود، نداشت
(سفینه، ۲۲۴ پ)^۱

۲۲

آن دل که کلید گنج هر شادی داشت
شد بنده تو، بدان نمانست که او
در هر نوعی، هزار استادی داشت
هرگز روزی نشان آزادی داشت
(رسائل، ۳۷؛ لباب، ۳۵۶؛ عرفات، ۱۸۷۳)

۲۳

يك چند رهی به صبر گردن بفراشت
در جُستن و بوسیدن پایت پس از این
سرتافتن از تو سرفرازی پنداشت
با دامن تو دست یکی خواهد داشت
(رسائل، ۲۰۴)

۲۴

تا از برم آن یار پسندیده برفت
چون لاله، دل سوخته در سینه بماند
وز دیده من تمام نادیده برفت
چون نرگس تازه، خونم از دیده برفت
(نزهة، ۵۸۰)^۲

۲۵

چون با غم عشق تو دلم ساز گرفت
تو دست به خون ریختنم رنجه مدار
چشمم به طلب خون دل آغاز گرفت
خود چشم من این مهم به خود باز گرفت
(سفینه، ۴۸ پ)^۳

۲۲۸

آینه پژوهش | ۲۰۶
سال ۳۵ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۳

۱. در رسائل العشق بی نام شاعر آمده (ص ۲۹۹) که نشانگر علاقه مؤلف این کتاب به رباعیات ابن طلحه است. ضبط رباعی در منبع مذکور تفاوت‌هایی با سفینه رباعیات دارد؛ از جمله آنکه قافیه اول و دوم جابه جاست و در محل قافیه، حرف واو اضافه شده: بنمود و نداشت/ فرمود و نداشت/ بود و نداشت.
۲. عین مصراع اول در یکی از رباعیات منسوب به ازرقی هروی (دیوان، ۹۸) و معزی نیشابوری (جنگ رباعی، ۱۳۶) هم دیده می‌شود. رباعی متن، در سفینه رباعیات (برگ ۱۹۲)، به نام شهاب کاغذی است و دو رباعی قبل ترش از طلحه است (شماره ۶۹ متن ما) و به نظر من، درستش همین است.
۳. در دیوان انوری (۲: ۹۶۵) آمده و به احتمال بسیار از اوست.

۲۶

عالم همه از زلف تو، بوی تو گرفت
لیکن ز خیال تو مرا روزی نیست
و آوازه نیکویی روی تو گرفت
گویی که خیالات تو خوی تو گرفت!
(رسائل، ۱۰۴)

۲۷

امشب که به صحبت من آمد رایت
گر نگذاری که بر لب بوسه دهم
از دیده و دل سزد که سازم جای
باری، بگذار تا دهم بر پایت
(نزهة، ۴۹۵)^۱

۲۸

جز بر دل من غم تو پیروز مباد
بس روز، رُخت ندیدم و بود روا
جز جان من از غم تو با سوز مباد
روزی که غمت نبینم، آن روز مباد
(رسائل، ۴۴)^۲

۲۹

تا سوی تو چشم من قضا باز گشاد
گویی به حقیقت ای بت حور نژاد
او را سوی دیگری دلم راه نداد
بر دیده من مهر رخت مُهر نهاد
(رسائل، ۳۲-۳۳)

۳۰

شبها بودم بُتا بدان روی تو شاد
و اکنون ز غم فراق ای حور نژاد
وز زلف و رخ تو ای صنم یافته داد
روزی است مرا که کس بدین روز مباد!
(رسائل، ۱۵۲)

۱. رباعی در دیوان معزی هم وارد شده است (جُنگ رباعی، ۸۵).

۲. در دیوان کمال الدین اسماعیل اصفهانی (ص ۳۴۸) به نقل از نسخه کتابخانه عزت قویون ترکیه به صورت ناقص نقل شده است. همان طور که مصحح فاضل دیوان کمال نوشته‌اند (همانجا، ۴۵۱) بعضی از انتساب‌های این دستنویس محل تأمل فراوان است و بعید است از کمال باشد.

۳۱

گر در دل من ندانی اندازه درد
ای دوست! سرشکِ سرخ بین و رخ زرد
ور نیستی آگه که به من هجر چه کرد
برخیز و بیا، گرم بپرس از دم سرد
(لباب، ۳۵۶؛ عرفات، ۱۸۷۳)

۳۲

نام لب تو، نقش نگین باید کرد
زیرِ قدمت دیده زمین باید کرد
گفتی که: سر تو دارم از عالم و بس
ترسم که سراندر سر این باید کرد
(لباب، ۳۵۶؛ عرفات، ۱۸۷۳)^۱

۳۳

با وصل تو گر مرا شماری بنماند
زین پس طمع امید باری بنماند
شکر است که چون بی تو همی باید بود
این جانِ ستم رسیده، باری بنماند
(رسائل، ۹۰)

۳۴

اول دل من چون نامه مهر تو خواند
و اکنون که دلت ز مهر دامن افشانند
وصل تو مرا ز ناز بر دیده نشانند
با من به جز از دریغ چیزی بنمانند!
(نزهة، ۵۷۱؛ سفینه، ۲۲۴پ)

۳۵

چون ابر بگریم، تو چو گل خوش می خند
من دود دلم کشیده تا دامن چرخ
آری، ز طرب بر من غمکش می خند
تو خوش به هزار لب چو آتش می خند
(نزهة، ۵۱۵)

۳۶

تا کی داری مرا به فردا خرسند
گر خود ز سر زلف تو سازند کمند
فردای تو را فلک نیارد در بند
در گردن فردای تو نتوان افکند!
(رسائل، ۱۲۲)^۲

۲۳۰

آینه پژوهش | ۲۰۶
سال ۳۵ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۳

۱. در نزهة المجالس بی نام گوینده است (ص ۴۱۹).

۲. در نزهة المجالس به نام عایشه سمرقندی است (ص ۴۲۱).

۳۷

با هر که رهی ز عشق تو راز کند
کزن از، دو چشم همچنان باز کنی
اول سخن، از ناز تو آغاز کند
کانده زده ای به خنده لب باز کند
(رسائل، ۶۸)^۱

۳۸

آن کس که به ماتمی دلی ریش کند
یک عید نظاره منش باید کرد
وز حسرت و درد، سینه پرنیش کند
تا شکر هزار ماتم خویش کند
(سفینه، ۲۵۳ پ)^۲

۳۹

ایام وصال آن دل افروز چه بود
افزون ز هزار بار، با درد و دریغ
و آسایش آن دولت پیروز چه بود
هر شب گویم که یارب آن روز چه بود
(رسائل، ۱۵۳)

۴۰

ز اندیشه تو دلم به محنت فرسود
گویی که دلم یک نفس، ای جان و جهان
دشمن ز تو ای دوست به من بر بخشود
آنجا که فراغت دلی بود، نبود
(لباب، ۳۵۷؛ عرفات، ۱۸۷۴)

۴۱

چون صبر رمیده شد، پیام تو چه سود
در آتش هجران تو، ای جان و جهان
جان رفت، ز پرسش و سلام تو چه سود
دل سوخته شد، وعده خام تو چه سود؟
(لباب، ۳۵۶؛ عرفات، ۱۸۷۳)

۱. این رباعی در نزهة المجالس (ص ۳۰۴) به اسم پسر خطیب گنجه است و در سفینه رباعیات (برگ ۹۲ پ) به نام مهستی.

۲. در نزهة المجالس (ص ۵۹۴) با عنوان «آخر» درج شده و به رضی نیشابوری هم منسوب است (دیوان رضی الدین نیشابوری، دستنویس نصیری امینی، ۸۸) و شاید از او باشد.

۴۲

چون دیده برفت، توتیای تو چه سود
چون جان عزیز رفت در فرقت تو
چون دل همه خون گشت وفای تو چه سود
آنگه سخنان جان فزای تو چه سود؟
(رسائل، ۱۲۷)^۱

۴۳

هم با سر دوستی و آرم شود
سرما چو به غایت رسد، آخر روزی
هم بر من بیچاره دلش نرم شود
خورشید بتابد و جهان گرم شود
(نزهة، ۵۶۴)^۲

۴۴

با من فلك آر به کینه بیرون آید
گر دشمن من شود جهانی، شاید
با مهر تو، زهر او مرا نگزاید
بر دوستی تو اعتمادی باید
(رسائل، ۱۴۴، ۱۴۹)^۳

۴۵

تایار رخ خوب به من بنماید
در دل به ازین که هست، سنگی باید
عمری است که انتظار می فرماید
کین کار همی ز سنگ بیرون آید
(رسائل، ۱۲۱-۱۲۲)

۴۶

دی ما و می و عیش خوش و روی نگار
ای گردش ایام! تو را هر دو یکی است
و امروز، غم جدایی و رنج خمار
جان بر سر امروز نهم، دی باز آرا!
(رسائل، ۱۵۶)^۴

۲۳۲

آینه پژوهش | ۲۰۶
سال ۳۵ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۳

۱. به فخرالدین عراقی همدانی هم منسوب است (مجموعه آثار، ۳۵۷)، اما به دلیل درج رباعی در منبع مذکور، این انتساب نادرست است.
۲. در سفینه رباعیات (برگ ۱۳۲) با عنوان «الغیره» درج شده و رباعی ماقبل آن به نام ابوالحسن طلحه است (شماره ۴۹ متن). به احتمال زیاد کاتب نزهة المجالس عناوین را پس و پیش نوشته و این رباعی از ابوالحسن طلحه نیست.
۳. به دلیل جابه جایی اوراق نسخه، بیت دوم رباعی در صفحه ۱۴۹ چاپ عکسی آمده است.
۴. این رباعی نسبتاً معروف از انوری است (دیوان، ۹۹۳). در برخی متون نشر نیز بی نام گوینده نقل شده است (رک. سندبادنامه، ۵۲؛ مرصادالعباد، ۸۹).

۴۷

گویی که: گرت نیست گل صحبت یار
جان بر سر این فراق با امن نهم
شاید که همی نبینی از خصمان خار
بستان ز من، آن وصال با بیم بیار!
(رسائل، ۱۵۵-۱۵۶)

۴۸

هر روز مرارنج توبی پایان تر
گفتند تو گفته ای که خونت بخورم
هر دم زدنی، درد توبی درمان تر
بشتاب که بر من این ستم آسان تر
(رسائل، ۸۷)

۴۹

هم گردد بخت خفته بیدار آخر
هم با سر دوستی شود یار آخر
هم شاخ امید آورد بار آخر
جاوید چنین نمائد این کار آخر!
(رسائل، ۱۲۳؛ سفینه، ۱۳۲) ^۱

۵۰

ای دل! ز فراق دست ها بر سر گیر
وی جان! ز تنم برو، پی دلبر گیر
وی چشم! رخم ز اشک در گوهر گیر
وی عمر! درنگ چیست؟ گامی برگیر
(رسائل، ۱۵۵)

۵۱

جانا! ز نیاز من ره ناز مگیر
آمد گه آنکه در غم و محنت خویش
خوی بد روزگار بدساز مگیر
دستم گیری، پای ز من باز مگیر
(رسائل، ۶۹) ^۲

۱. نام گوینده رباعی به دلیل جابه جایی اوراق دستنویس رسائل العشاق، پایین صفحه ۱۲۰ چاپ عکسی آمده است. در نزهة المجالس (ص ۵۶۳) رباعی به نام «یمین اصفهانی» است و رباعی بعدی، به نام طلحه است. از روی دستنویس سفینه رباعیات دانسته می شود که کاتب نزهة المجالس در این موضع، نام ها را جابه جا نوشته و اوراق دستنویس رسائل العشاق به هم ریخته است.

۲. به رضی نیشابوری هم منسوب است (دیوان رضی الدین نیشابوری، چاپی، ۱۸۹).

۵۲

بر وعده تو طبع من آموخته گیر
از پختن سودای تو بر آتش عشق
صد شمع امید در دل افروخته گیر
گر خام بود وعده، مرا سوخته گیر
(نزهة، ۴۲۶؛ سفینه، ۱) ^۱

۵۳

رفت آنکه زدم به کام دل با تو نفس
عیشی که مرا هست کنون با همه کس
گویی که غم آمدت از این، ناید پس
آن است کز آن عیش همی گویم بس!
(رسائل، ۱۵۶)

۵۴

گر دوش دلم شاد شد ای چشمه نوش
چیزی که قیاس آن نشاید کردن
امشب ز غم فراق آمد در جوش
یا محنت امشب است، یا راحت دوش
(رسائل، ۱۵۲؛ لباب، ۳۵۶؛ عرفات، ۱۸۷۳)

۵۵

هر چند همی بیش دوی بر در عشق
این حرف نوشته اند بر دفتر عشق:
آزرده شوی تو زود از خنجر عشق
سر دوست ندارد آنکه دارد سر عشق
(نزهة، ۲۰۳) ^۲

۵۶

در عالم ارواح بود مایه عشق
مانده خورشید همه جان گردد
بوده است ز لطف در ازل دایه عشق
آن کس که فتاد بر سرش سایه عشق
(سفینه، ۲۵۴) ^۳

۲۳۴

آینه پژوهش | ۲۰۶
سال ۳۵ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۳

۱. نام گوینده رباعی در نزهة المجالس، ابوالحسن علی قید شده است.

۲. بیت دوم رباعی در یکی از رباعیات منتسب به خواجه عبدالله انصاری نیز دیده می شود (رباعیات منسوب، ۳۹). در سفینه رباعیات (برگ ۲۲۸ پ) عنوان رباعی چنین است: ندانم کراست!

۳. در نزهة المجالس (ص ۲۰۳) با عنوان «وله» آمده و رباعی ماقبل آن از «لا اعرف» است و منظور مؤلف آن است که گوینده رباعی را نمی شناخته است.

۵۷

خصم تو اگر باز ندارد ز تو چنگ
صد گونه برای تو برآمیزم رنگ
بنشینم اگر کار به نام آید و ننگ
بر آتش چون کباب و بر تیغ چو زنگ
(رسائل، ۲۳۰)^۱

۵۸

هر گه که کند دلم به صحرا آهنگ
تا بزداید از این دل شیدا زنگ
ناگه ز قضا، این فلک آینه رنگ
ز نروسپی فرو تراشد از سنگ
(نزهة، ۵۹۲)^۲

۵۹

امروز منم نعره زنان از پی دل
بر سر چو زنان دست زنان از پی دل
آواره ز خان و مان روان از پی دل
جور همه ناکسان کشان از پی دل
(عرفات، ۱۸۷۴)^۳

۶۰

ای آنکه دمی دور نه ای از یادم
دل تنگ مکن گراز تو دور افتادم
گر آب شود جهان و آتش بازدم
من خاک شوم، بر تو آرد بادم!
(ترمد، ۴۹۳)^۴

۱. رباعی در لباب الالباب (ص ۶۹) به اسم علی بن حسن باخرزی است. در نزهة المجالس (ص ۵۹۲) با عنوان «علی» نقل شده است و در سفینه رباعیات به اسم «علی بن الحسن» (برگ ۲۵۱ پ). با این حساب، رباعی را باید از باخرزی دانست.
۲. رباعی در نزهة المجالس به نام «ابوالحسن» درج شده و مرحوم ریاحی حدس زده که منظور مؤلف، ابوالحسن طلحه است. با توجه به روش مؤلف، شاید این حدس درست باشد. در سفینه رباعیات (برگ ۲۵۱ پ) با عنوان «لغیره» ثبت شده است.
۳. در جُنگ اشعار شماره ۵۳۱۹ کتابخانه ملک به اسم خواجه نصیر طوسی است (ص ۵۵۸). مرحوم نفیسی به استناد همین منبع، آن را جزو اشعار افضل کاشانی جای داده است (رک. رباعیات بابا افضل الدین، ۱۴۸).
۴. در سفینه نوح (برگ ۲۶۱ ر) که در قرن هشتم گرد آمده، بی نام گوینده نقل شده است.

۶۱

من غرّه به گفتار محال تو شدم زین روی، سزای گوشمال تو شدم
آن طرفه که آزموده صد بار تو را هم باز به عشوه در جوال تو شدم
(رسائل، ۲۵۱-۲۵۲)^۱

۶۲

از بس که ز دیده خون دل پالودم و اندر طلبت جهان بسی پیمودم
انصاف بده که گر ز آهن بودم در پای غم تو سنگ دل فرسودم
(رسائل، ۶۱)^۲

۶۳

در هجر تو کام دل بُتاکم دارم زآن بیش که تو گمان بری، غم دارم
وز آرزوی خیال رویت، همه شب بی خواب، نهاده چشم بر هم دارم
(نزهة، ۴۳۶؛ سفینه، ۴۳ پ)

۶۴

دلشاد شوم چو اندر آیی ز درم لیکن چو دهی ز باز گشتن خبرم
آواز همی دهد به تو جان ز برم آهسته که می روی و من بر اثرم
(رسائل، ۱۳۸)^۳

۶۵

از هجر تو گربه گوشمال تو درم گویی ز خیالت به وصال تو درم
بر من سپه هجر تو را دستی نیست تا من به حمایت خیال تو درم
(لباب، ۳۵۶؛ عرفات، ۱۸۷۳)

۲۳۶

آینه پژوهش | ۲۰۶
سال ۳۵ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۳

۱. رباعی در دیوان انوری هم موجود است (۲: ۱۰۰۸). ابوالحسن طلحه رباعی با همین حال و هوا دارد: از هجر تو گر به گوشمال تو درم (شماره ۶۵).

۲. به اسم رضی نیشابوری هم دیده شده است (دیوان رضی الدین نیشابوری، دستنویس نصیری امینی، ۹۹).

۳. در نزهة المجالس جزو رباعیات جمال خلیل شروانی مؤلف کتاب درج شده است (ص ۳۷۹).

۶۶

بگسست ز صحبت من آن دلگسلم
هر شب گردد خیال او گردد دلم
مالید به زیر پای محنت چو گلم
الحق ز مراعات خیالش خجلم
(رسائل، ۱۰۳)^۱

۶۷

با درد شبِ دراز دمساز منم
هر جانوری که در شب آواز دهد
با سوخته دل، ساخته، هم راز منم
با او، ز میان دل، هم آواز منم
(لباب، ۳۵۵-۳۵۶؛ عرفات، ۱۸۷۳)

۶۸

که کوژ چو زلف دلستان تو منم
ای قدّ تو همچو تیر، آخر روزی
که نیست شده همچو دهان تو منم
بر من گذری کن که کمان تو منم
(لباب، ۳۵۶؛ عرفات، ۱۸۷۳)

۶۹

تا کی ز فراق دیده پُر خون بینم
گویند خیال او همی بین در خواب
در کاهش جان، درد دل افزون بینم
خوابم ناید، خیال او چون بینم
(سفینه، ۴۳ پ، ۱۹۲)^۲

۷۰

تا از دل یکدگر خبر یافته‌ایم
من در طلب رضا و او در پی خشم
از کینه و مهر هر دو دل تافته‌ایم
انصاف بده که موی بشکافته‌ایم!
(لباب، ۳۵۵؛ عرفات، ۱۸۷۳)

۱. رباعی را در دیوان رشیدالدین وطواط نیز می‌یابیم (ص ۶۱۷). در نزهة المجالس بی نام گوینده آمده (ص ۴۳۹) و بیت دومش در سندبادنامه هم موجود است (ص ۱۳۶).

۲. در نزهة المجالس همانند سفینه رباعیات، این رباعی دو بار نقل شده (ص ۴۳۶، ۵۸۰) ولی نام شاعر آن متفاوت است و مؤلف کتاب (یا کاتب) «سجاسی» را گوینده رباعی معرفی کرده است. به نظر من، ضبط سفینه رباعیات درست است.

۷۱

چون هجر کمر بست به جنگ دل من در دامن صبر دید چنگ دل من
هان تا چه کنی تو با من ای صبر از آنک در گردن توست نام و ننگ دل من
(لباب، ۳۵۷؛ عرفات، ۱۸۷۴)

۷۲

ز آن پس که دلم ز هجر تو گشت غمین با من نفسی نشستی^۱ ای ماه زمین
ناگفته سخن، هجر تو بگشاد کمین این بود مرا وصل تو، این نیز چنین!
(سفینه، ۲۵۱پ)

۷۳

هر چند که رفت آبِ رویم با تو جز دوستی و مهر نجویم با تو
بُردی دلم ای ماه و به صد دل سخنی بس مختصر آیدم که گویم با تو
(رسائل، ۴۵)^۲

۷۴

ای تیره شده آب به جوی تو ز تو وز خوی تو، بر نخورده روی تو ز تو
عشاق زمانه را فراغت داده است روی تو ز دیگران و خوی تو ز تو
(نزهة، ۳۷۲)^۳

۷۵

می رشک آید مرا ز پیراهن تو وز گوی گریبان تو، در دامن تو
کین بوسه همی زند قدم های تو را و آن را شب و روز دست در گردن تو
(نزهة، ۳۶۶)^۴

۲۳۸

آینه پژوهش | ۲۰۶
سال ۳۵ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۳

۱. در اصل: نشستن. متن، تصحیح قیاسی است.

۲. در دیوان کمال الدین اسماعیل اصفهانی آمده (ص ۳۴۶) و منحصر به نسخه کتابخانه عزت قویون ترکیه است که وصفش گفته شد. رباعیاتی که سیفی در رسائل العشاق آورده، احتمال کمی دارد از کمال اسماعیل باشد. اشعار مورد استناد سیفی، سروده شاعران قرن پنجم و ششم هجری است.

۳. رباعی در دیوان عنصری (ص ۳۱۸) وارد شده است و به دلیل طرز قافیه بندی و تأخر سند، بعید می دانم از او باشد. در مرزبان نامه نیز بی نام گوینده دیده می شود (۱: ۱۷۵).

۴. با تغییراتی، به نام سنایی دیده شده است (دیوان حکیم سنایی، ۱۱۶۶). سیفی نیشابوری (رسائل العشاق، ۹۳) و ابوالمجد تبریزی (خلاصة الاشعار فی الرباعیات، ۵۰) آن را بی نام گوینده آورده اند. مصراع دوم در منبع ما

۷۶

گیرم که ز زلف حلقه‌ها بافته‌ای
و آنکه به رخ چو ماه بر تافته‌ای
الماس لطافت از کجا یافته‌ای
کآن لعل چنان به حیلہ بشکافته‌ای
(لباب، ۳۵۵؛ عرفات، ۱۸۷۲)^۱

۷۷

اؤل ز هزار گونه رنگ آوردی
تاخسته دل مرا به چنگ آوردی
اکنون به جفا پای نهادی با من
تا دست دلم به زیر سنگ آوردی
(نزهة، ۵۶۹)^۲

۷۸

در عشق تو دل نکرد یاد از دگری
دیده ز وفا نشان نداد از دگری
گرچه ستم از تو دید و داد از دگری
غمناک هم از تو به که شاد از دگری
(لباب، ۳۵۶؛ عرفات، ۱۸۷۴)^۳

۷۹

ای عشق پُر آشوب! گناهم تو بسی
وی چهره یار! عذرخواهم تو بسی
بر روز جوانی - که سیه شد ز فراق -
ای موی سپید من! گواهم تو بسی
(لباب، ۳۵۵؛ عرفات، ۱۸۷۲)

۸۰

ای شب! شب وصل را نکو نام کنی
آرام دهی مرا و آرام کنی
از عمر عزیز من ستانی سالی
وامشب ز شبی دگر، شبی وام کنی
(ملک، ۵۶۱)

همین گونه بود که آوردیم. در دیوان سنایی و خلاصه‌الاشعار، بدین شکل است: وز رشک گریبان تو و دامن تو؛ و در رسائل العشاق: از جور گریبان تو و دامن تو.

۱. در نزهة المجالس بی ذکر نام گوینده آمده است (ص ۳۵۹).

۲. در سفینه رباعیات (برگ ۲۲۴) به عنوان «ندانم کراست» دیده می‌شود و رباعی بعدی (شماره ۳۴ متن) از ابوالحسن طلحه است. بنابراین، در انتساب رباعی بالا به طلحه باید احتیاط کرد.

۳. مصراع چهارم رباعی طلحه یادآور این شعر سنایی غزنوی است (دیوان حکیم سنایی، ۱۱۵۹): غمگین شدن از تو به که شاد از دگران.

۸۱

بر وصل تو دل نهاده‌ام تا چه کنی
جان در هوست بداده‌ام تا چه کنی
اکنون به امید آنکه دستم گیری
در پای غمت فتاده‌ام تا چه کنی
(ملک، ۵۶۱)

۸۲

یا قوت ز دیده بیختم تا چه کنی
در هر که ز تو گریختم، سود نداشت
در پای غم تو ریختم تا چه کنی
از تو به تو در گریختم، تا چه کنی
(ملک، ۵۶۱؛ عرفات، ۱۸۷۳)^۱

۸۳

گر من زمین جان بر آرم آهی
عالم گردد به سان آتش گاهی
گویند مرا که: صبر کن یک ماهی
چون صبر کنم ز عشق ماهی، ماهی؟
(نزهة، ۵۷۵)^۲

۸۴

چون نامه زیبای تو بگشاد رهی
بر خواند و به وعده تو شد شاد رهی
بر دست خط تو بوسه‌ها داد رهی
دیدار تو را دو چشم بنهاد رهی
(ترمد، ۴۹۳)^۳

۸۵

گفتی: خونت بریزم ای بینایی
آن خون زره دیده پپالودم پیاک
مانا که زبان به مهر من نگشایی
تا دست به خون چون منی نالایی
(لباب، ۳۵۵؛ عرفات، ۱۸۷۳)^۴

۲۴۰

آینه پژوهش | ۲۰۶

سال ۳۵ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۳

۱. رباعی به ابوسعید ابوالخیر نیز منسوب است (سخنان منظوم، ۹۹). در جنگ ملک، قافیه‌های اول و دوم جابه‌جاست.

۲. در جنگ اشعار موسوم به انیس العارفین (کتابت در ۸۲۷ ق، برگ ۴۴۰ ر) بی نام گوینده دیده می‌شود.

۳. منسوب به مهستی گنجوی است (نزهة المجالس، ۱۹۶؛ سفینه رباعیات، ۱۰۵ ر).

۴. در نزهة المجالس بی نام گوینده آمده (ص ۵۲۷) و شادروان ریاحی به دلیل آنکه رباعی در لباب الالباب به اسم ابوالحسن طلحه است، نام او را بر این رباعی گذاشته است.

منابع

- آتشکده آذر. لطف علی بیگ آذر بیگدلی، تصحیح حسن سادات ناصری، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۸، ج ۳.
- الأنساب، لإمام أبي سعد عبدالکريم بن محمد بن منصور التميمي السمعاني، حَقَّق نصوصه و علَّق عليه الشيخ عبدالرحمن بن يحيى المعلمي اليماني، قاهره، مكتبة ابن تيمية، الطبع الثانية، ۱۴۰۰، ق، ۱۲، ج.
- انيس العارفين: جُنگ اشعار، دستنويس شماره ۳۴۳۲ كتابخانه اسعد افندی، كتابت تاج الدين على ابن احمد تبریزی، پنجشنبه چهارم ذی القعدة سنه ۸۲۷ ق، ۴۸۱ برگ تذکره هفت اقلیم، امین احمد رازی، تصحیح سید محمدرضا طاهری (حسرت)، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۸، ج ۳.
- تذکره ریاض الشعراء، علی قلی واله داغستانی، تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۴، ج ۵.
- جُنگ اشعار، دستنويس شماره ۵۳۱۹ كتابخانه ملک، بدون رقم، نستعلیق سده دهم ق، ۴۹۲ برگ جُنگ رباعی، پژوهش و ویرایش سید علی میرافضلی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۹۴.
- خلاصه الأشعار فی الرباعیات، گردآورده ابوالمجد محمد بن مسعود بن مظفر تبریزی، تصحیح و تحقیق: سید محمد عمادی حائری، تهران، انتشارات هرمس، ۱۴۰۱.
- دیوان ازرقی هروی، با تصحیح و مقابله و مقدمه سعید نفیسی، تهران، به سرمایه کتابفروشی زوار، ۱۳۳۶.
- دیوان انوری، به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم: ۱۳۷۶، ج ۲.
- دیوان حکیم سنایی غزنوی، به سعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران، کتابخانه سنایی، چاپ سوم: ۱۳۶۲.
- دیوان رشیدالدین وطواط، به اهتمام سعید نفیسی، تهران، کتابخانه بارانی، ۱۳۳۹.
- دیوان رضی الدین نیشابوری، دستنويس شماره ۸۴ كتابخانه شخصی نصیری امینی، فیلم شماره ۱۱۷۳ كتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، بدون تاریخ، نستعلیق سده ۱۱ ق، ۹۸ برگ.
- _____، تصحیح و توضیح ابوالفضل وزیرنژاد، مشهد، انتشارات محقق، ۱۳۸۲.
- دیوان سنایی (چاپ عکسی از روی نسخه موزه کابل)، به اهتمام علی اصغر بشیر، کابل، ۱۳۵۶.
- _____، دستنويس شماره ۲۶۲۷ كتابخانه بایزید ولی الدین، کتابت در دهم ربیع الاول ۶۸۴ ق، ۳۹۷ برگ.

دیوان سید حسن غزنوی، تصحیح عباس بگ جانی، تهران، انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷.

دیوان عنصری بلخی، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابخانه سنایی، چاپ دوم: ۱۳۶۳.
دیوان کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، تصحیح و تحقیق محمدرضا ضیاء، تهران، بنیاد موقوفات افشار، چاپ دوم: ۱۴۰۲.

رباعیات بابا افضل‌الدین کاشانی، به سعی سعید نفیسی، تهران، فارابی، چاپ دوم: ۱۳۶۳.
رباعیات منسوب به خواجه عبدالله انصاری، به کوشش محمود مدبری، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۱.

رسائل العشاق و وسائل المشتاق، مسعود بن احمد سیفی نیشابوری، چاپ عکسی به کوشش جواد بشری، تهران، بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۹۹.

سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر، به اهتمام سعید نفیسی، تهران، کتابخانه سنایی، چاپ سوم: بی‌تا.
سفینه ترمذ، محمد بن یغمور، تصحیح امید سروری، با همکاری سید باقر ابطحی، تهران، انتشارات موقوفه افشار، ۱۳۹۶.

سفینه خوشگو، بندر ابن داس خوشگو، تصحیح دکتر زین العبا، تهران، انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، دفتر اول، ۱۴۰۰.

سفینه رباعیات، دستنویس شماره FY.1203 کتابخانه دانشگاه استانبول، اول و آخر افتاده، بدون رقم، سده نهم ق، ۲۶۲ برگ.

سفینه نوح: جنگ اشعار، دستنویس شماره ۹۰۰ کتابخانه مجلس، بدون رقم، سده هشتم ق، ۲۷۹ برگ.

سندبادنامه، محمد بن علی ظهیری سمرقندی، تصحیح محمد باقر کمال‌الدینی، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۱.

طرائف الطرف، ابوعبدالله حسین بن محمد مشهور به بارع هروری بغدادی، حقهها هلال ناجی، بیروت، عاله الکتب، ۱۴۱۸ ق.

_____، دستنویس شماره ۳۷۶۷ کتابخانه ایاصوفیا (استانبول)، کتابت عمادالدین عمر بن محمود بن محمد الکبریته النیسابوری، دوشنبه پنجم شعبان سال ۶۳۶ ق، برگ ار- ۵۷ پ.

_____، دستنویس شماره ۴۱۳۵ کتابخانه ایاصوفیا (استانبول)، کتابت شمس بن حسام المنجم النسوی، چهاردهم ذی الحجه سال ۷۴۳ ق، ۶۷ برگ.

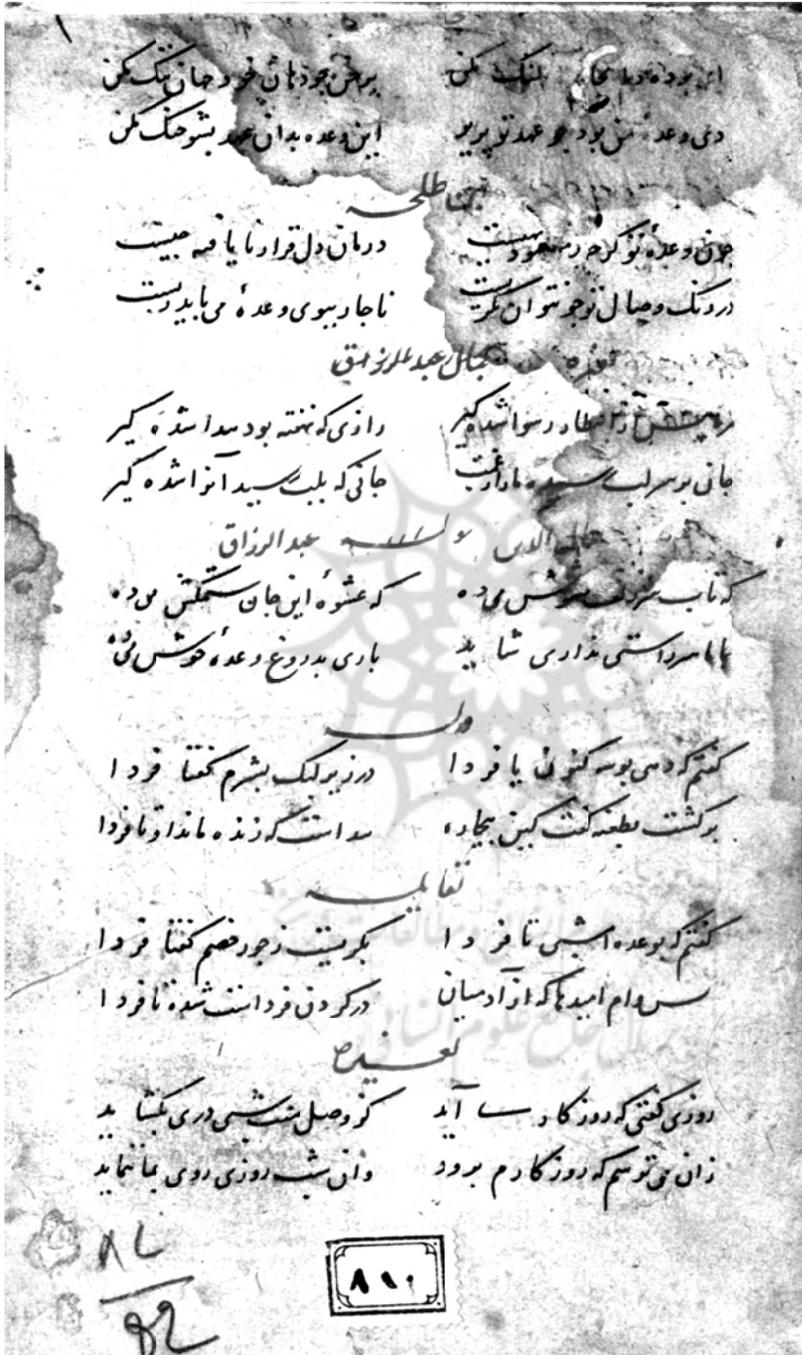
طربخانه: رباعیات خیام، یاراحمد رشیدی تبریزی، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران، نشر هما، چاپ دوم: ۱۳۶۷.

عرفات العاشقین و عرصات العارفين، تقی‌الدین اوحدی بلیانی، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۸، ۷ ج.

لباب الالباب، محمد عوفی، به کوشش سعید نفیسی، تهران، کتابفروشی علمی، ۱۳۳۵.
مجموعه آثار فخرالدین عراقی، به تصحیح و توضیح نسیرین محتشم (خزاعی)، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۲.

مرزبان نامه، سعدالدین وراوینی، تصحیح محمد روشن، تهران، نشر نو، چاپ دوم: ۱۳۶۷، ۲ ج.
مرصاد العباد من المبدء الی المعاد، نجم‌الدین ابوبکر بن محمد رازی، به اهتمام محمد امین ریاحی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم: ۱۳۶۶.

«معرفی ابیات نویافته در دستنویس رسائل العشاق و وسائل المشتاق»، علی عشایری،
دوفصلنامه تاریخ ادبیات، دوره ۱۶، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۲، ۴۱-۵.
نزهة المجالس، جمال خلیل شروانی، تصحیح محمد امین ریاحی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۶.
_____، دستنویس شماره ۱۶۶۷ کتابخانه علی امیر جلاله (استانبول)، کتابت اسماعیل بن اسفندیار ابهری در ۲۵ شوال ۷۳۱ ق، ۱۱۸ برگ.

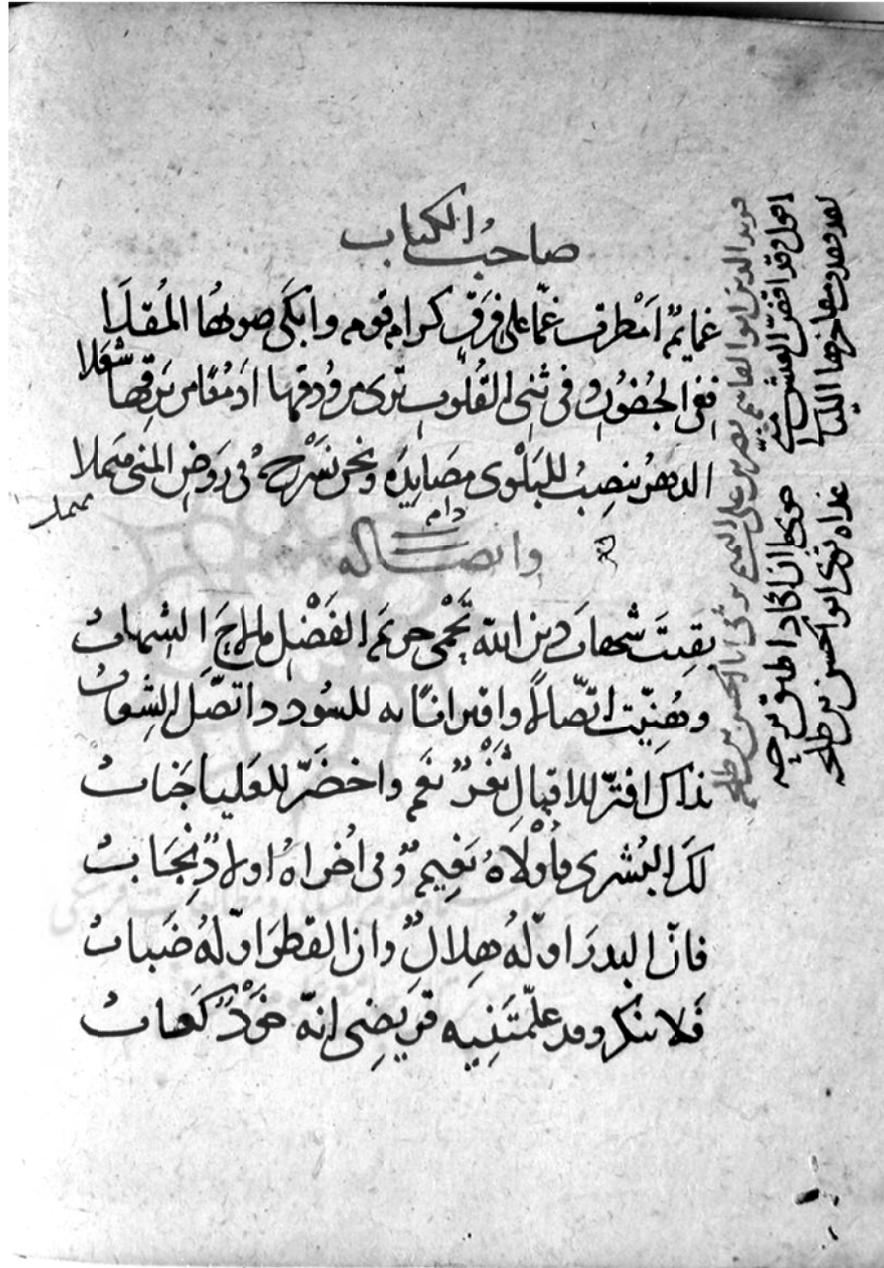


۲۴۴

آینه پژوهش | ۲۰۶

سال ۳۵ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۳



۲۴۵

آینه پژوهش | ۲۰۶
سال | ۳۵ شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۳